

دو فصلنامه علمی - تخصصی علامه

سال یازدهم - شماره پیاپی ۳۵

پاییز و زمستان ۹۰

حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع در قانون و اسناد بین‌المللی*

** محمدعلی عزیزی

*** نجات فیض‌اللهی

چکیده

حقوق شهروندی دستاورد بشریت از هزاره‌های تاریخ گذشته است و ریشه‌های آن در آموزه‌های دینی ما به خوبی مشهود است. این مقوله در جهان معاصر نیز از جذابیت زیادی برخوردار است و تأمین آن، از اساسی‌ترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود.

امروزه در بسیاری از کشورهای مدرن برای شهروندان، حقوقی در قوانین گنجانیده شده و به آنها آموزش داده می‌شود تا افراد در صدد مطالبه آن برآیند. در کشور ما، یکی از ابعاد توسعه و اصلاحات قضایی، توجه به مفهوم «حقوق شهروندی» است. قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان بالاترین منبع قانونی در اصول متعددی به این حقوق اشاره نموده است و در قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری نیز به تفصیل از این حقوق یاد شده است. در سال ۱۳۸۳ نیز

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۲۵

* تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۲

** مربی دانشگاه علمی - کاربردی قوه قضائیه آذربایجان شرقی؛ قاضی دادگستری

azizimohammadali@yahoo.com

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اهر

بخشنامه مهم رئیس قوه قضائیه در ۱۵ بند، ناظر به رعایت حقوق افراد در مراحل دادرسی به ویژه مرحله بازجویی و تحقیقات مقدماتی صادر شد. هیأت‌های نظارت بر «حفظ حقوق شهروندی» که ثمره نیکوی این قانون بود، اکنون در سراسر کشور تشکیل شده است. مؤلفان در این مقاله به بررسی آسیب شناختی این مسئله پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، حقوق بشر، کرامت انسانی، فرد و حقوق، دادرسی عادلانه، آزادی‌های مشروع.

مقدمه

" قال الله الحكيم : ولقد كرمنا بني آدم "

حقوق شهروندی و رعایت آن ریشه در تعالیم دین مبین اسلام و شرع مقدس دارد. کرامت انسانی و احترام به مقام والای اشرف مخلوقات، سستی الهی و سیره برگزیدگان و صالحان است. حقوق شهروندی اصطلاحی است که در سالهای اخیر در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان فکر، قلم و اندیشه رونق پیدا کرده است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و تاکید بر کرامت ذاتی انسانها و منع دولت‌ها در نادیده گرفتن حقوق اولیه و اساس افراد جامعه، سرآغاز تحولات جدید و نوینی در حفظ و رعایت حقوق شهروندی تلقی گردیده و به همین خاطر دولت‌ها با تصویب مقررات ملی و منطقه‌ای و جهانی در حمایت از حقوق شهروندان خویش گامهای جدی برداشته‌اند. اگرچه هنوز برخی دولت‌ها حتی در میان مدعیان حقوق بشر در غرب، کماکان این حق را به رسمیت نمی‌شناسند و یا تنها از برخی مصادیق آن حمایت می‌کنند، اما بی‌توجهی به این مسأله مهم و عدم پیش‌بینی مقررات بازدارنده همواره واکنش‌های داخلی و خارجی را به همراه داشته است.

حقوق قضایی و دسترسی به دستگاه قضایی دادگستری، از جمله مهمترین حقوقی است که همواره مورد توجه حکومت‌ها بوده است. ارتباط مستقیم این حق به احساس عدالت و اجرای آن و همچنین امنیت اجتماعی موجب شده که در سطح ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات کامل و مدونی در خصوص تامین این حق برای شهروندان، تدوین شود. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. از سوی دیگر همه افراد ملت اعم از زن و مرد همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی یکسانی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. بنابراین در دستگاه قضایی به عنوان یکی از ارکان زندگانی اجتماعی نیز باید تمام حقوق انسانی و اسلامی جهت دادخواهی و احقاق حق رعایت گردد.

آیت ا... هاشمی شاهرودی رئیس محترم وقت قوه قضائیه در سالهای ۸۸-۸۷ با طرح ایده «توسعه قضایی» برنامه‌های پنج ساله اول و دوم آن را در دستور کار این قوه قرار دادند. در نگاه وی، توسعه قضایی به معنای توسعه و رشد اهداف و ایده‌های قضایی بوده است. در این راستا، بخشنامه‌های متعددی از سوی وی در ارتباط با اهداف توسعه قضایی صادر شد. یکی از این بخش‌نامه‌ها در ارتباط با حقوق و آزادی‌های عمومی و کرامت انسانی مراجعان دستگاه قضایی بود که در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۰ (که به بخشنامه حقوق شهروندی معروف است) دستوراتی را طی ۱۵ بند در راستای حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزشها مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور و همچنین دست اندرکاران قضایی و زندانها و بازداشتگاههای کشور اسلامی صادر نمودند و در مدتی کمتر از یک ماه در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ در قالب طرحی دو فوریتی با عنوان "قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی" به صورت یک ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بلافاصله در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسید و جهت اجرا توسط رئیس جمهور به مراکز مربوطه ابلاغ شد. در واقع می‌توان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را نوعی بها دادن قانونگذار و همچنین دستگاه قضایی به اهم موضوعات حقوق شهروندی در حیطه قضایی تلقی نمود.

موضوعاتی که بیشترین اهمیت را در فرایند کیفری در رابطه با برخورد دستگاه قضایی با شهروندان دارند، مسائلی چون قانونی بودن شیوه کشف و تعقیب جرایم، نحوه بازداشتها، صدور قرارها، نحوه برخورد با متهمین، حضور وکیل در پرونده، عدم تعرض به حریم خصوصی افراد و مستند و مستدل بودن آرا و قرارها که در این قانون مورد توجه قرار گرفته، بار دیگر دست اندرکاران قضایی و کسانی که به نحوی با جان، مال و ناموس شهروندان ارتباط مستقیم دارند را ملزم به رعایت قوانین و مقررات در رابطه با برخورد با شهروندان و حفظ شان و کرامت انسانی نموده است.

در این تحقیق سعی خواهد شد در سه مبحث حقوق شهروندی مورد بحث و بررسی قرارگیرد. درمبحث اول حقوق شهروندی در مرحله تحقیقات مقدماتی بررسی خواهد شد و در مبحث دوم به حقوق شهروندی در مرحله رسیدگی و درمبحث سوم به حقوق مزبور در مرحله اجرای احکام اشاره خواهد شد.

الف) مرحله تحقیقات مقدماتی

مرحله تحقیقات مقدماتی جرم که جز در موارد استثنائی دادسرای عمومی و انقلاب مرجع قانونی انجام آن است؛ عبارت از مجموعه اقداماتی است که به وسیله مقامات خاص قضایی برای کشف جرم، جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و اظهارنظر در خصوص قابل پیگرد بودن یا نبودن او به عمل می‌آید. در واقع تحقیقات مقدماتی از مراحل حساس و مهم دادرسی‌های کیفری است (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۴).

مرحله تحقیقات مقدماتی از نظر مواردی که در آن مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد، به لحاظ حقوق بشر و حقوق شهروندی مهم‌ترین مرحله دادرسی کیفری را

تشکیل می‌دهد و به جهت همین امر است که در اسناد بین‌المللی هم مورد توجه خاص واقع شده و تدابیر و تضمین‌های ویژه‌ای درباره آن پیش‌بینی شده است.

گفتار اول: حق آزادی (منع دستگیری) بدون مجوز قانونی

حق آزادی یکی از حقوق شهروندی است. انسان حق دارد آزادانه زندگی نماید، هیچ کس اعم از مأموران دولتی یا غیردولتی در غیر از موارد قانونی، حق سلب یا تحدید آزادی افراد را ندارند.

جرائم علیه آزادی تن که اصطلاحاً بازداشت غیرقانونی گفته می‌شود، به اعتبار شخصیت مرتکب به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف - بازداشت غیرقانونی توسط افراد عادی.

ب - صدور دستور بازداشت غیرقانونی توسط قضات و دیگر مامورین ذی صلاح.

ج - بازداشت غیرقانونی توسط مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاههای

حکومتی (تقی اوغلی، ۱۳۸۷: ۹۹).

برابر بند (۱) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب شخصیت و سوء استفاده از قدرت و اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی بدون ضرورت اجتناب شود». همچنین در بند (۵) قانون مذکور آمده است: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مرجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده

دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند». بند یکم و پنجم این قانون به ترتیب در مورد کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت و اصل منع دستگیری و بازداشت است. طبق این دو بند این مراحل باید مبتنی بر قانون، شفاف و با حکم و دستور قضایی صورت گیرد و از اعمال سلیق شخصی و سوء استفاده از قدرت و خشونت و بازداشت اضافی و بدون ضرورت (بیش از ۲۴ ساعت) اجتناب شود و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شده و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶، شهروند محوری در عرصه عدالت: ۵۵).

حق آزادی افراد جامعه، در بعد بین‌المللی هم مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. حق آزادی که یک حق بنیادین بشری است و هر کس حق آزادی فردی را دارد و بازداشت یا دستگیری تنها در مواردی که مطابق با قانون است مجاز می‌باشد و آن نباید خودسرانه باشد و این حق در اسناد بین‌المللی متعددی از قبیل: اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (ماده ۲۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۳)، ماده (۹) میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ منشور آفریقایی، ماده (۱) اعلامیه آمریکایی، ماده (۷) کنوانسیون آمریکایی و ماده (۵) کنوانسیون اروپایی همگی بر ضرورت رعایت این حق در قوانین فراملی و اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۳۹).

گفتار دوم: حق برخورداری از معاضدت وکیل

یکی دیگر از حقوق شهروندی مشترک میان بزه کار و بزه دیده حق داشتن وکیل است. در کنار احترام به داشتن وکیل برای بزه کار و بزه دیده در فرایند کیفری، متهم

می‌تواند از دادگاه تقاضا کند و کیلی برای او تعیین نماید. چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه مجاور، وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود (ماده ۱۸۶ ق.آ.د.ع.ا.ک).

بند سوم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند». از جمله تضمیناتی که برای حفظ حقوق شهروندی متهمان در دادرسی‌های کیفری پیش‌بینی می‌شود، شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی کیفری است. درباره نقش وکیل مدافع در محاکم کیفری آمده است: «... قاضی قوت و قدرت استدلالی را تشخیص نخواهد داد مگر آن که آن را از دهان کسی که تمام نیروی فکری خود را برای بیان مرافعات تخصیص داده استماع نماید. انجام این وظیفه به عهده وکیل است. وظیفه او تصمیم‌گیری نیست بلکه ترغیب و هدایت در مسیر مطلوب است (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۶۱).

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا وکیل فقط در «دادگاه» می‌تواند حضور یابد یا در دادرها و مراجع انتظامی نیز حق حضور دارد؟ باید گفت: «شناسایی حق داشتن وکیل برای طرفین دعوا در همه دادگاه‌ها بدان معنی نیست که افراد در غیر دادگاه‌ها از داشتن وکیل محروم‌اند و مثلاً در مرحله دادرها نمی‌توانند وکیل انتخاب کنند. منظور قانون اساسی از همه دادگاه‌ها، همه مراجع قضایی است و چون خبرگان تهیه‌کننده قانون اساسی با توجه به منابع فقهی، دادگاه را مرجع رسیدگی قضایی می‌دانستند، روی دادگاه تاکید کردند و الا هدف استثنا کردن دادرها نبوده است، به ویژه بدان سبب که در این اصل، دایره داشتن وکیل را تا به آن حد وسعت بخشیده

که برای افرادی هم که توانایی مالی انتخاب وکیل ندارند، پیش‌بینی کرده که امکانات فراهم شود تا بتوانند از این حق استفاده کنند» (مدنی، ۱۳۸۴: ۱۰۵) و (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). از طرف دیگر، شرکت وکیل در دادرسی و نقش آن در توسعه قضایی، کاهش و عدم طرح و دعاوی بیهوده و غیر تخصصی، کاهش اطلاع دادرسی، صدور آرای عادلانه و بسیار است.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و مقررات کیفری بین‌المللی، همگی داشتن وکیل رایگان را برای متهم معسر تضمین می‌کنند. چنانچه فردی دستگیر می‌شود یا متهم است و یا در بازداشت به سر می‌برد، امکان داشتن وکیل منتخب خود را نداشته باشد، باید وکیل تسخیری به صورت رایگان برای او تعیین شود (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۶۰). این حق در شق د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شق ج بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی، شق ج بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و شق د بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. شق د بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر این نکته را اضافه می‌کند که فرد حق دارد تا آزادانه و به طور خصوصی با وکیل خود مکاتبه نماید. منشور آفریقایی و کنوانسیون اروپایی فاقد چنین مقرره صریحی در مورد رابطه محرمانه موکل و وکیل خود هستند. (معاونت آموزشی قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۹۲).

گفتار سوم: رعایت کرامت انسانی مراجعین

کرامت انسانی به رغم اهمیت بسیار والایی که دارد، تا کنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشور، تعریف نشده است؛ لذا فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند، کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن نمایند. مرحوم

علامه محمدتقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی، می‌گوید: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسانها ثابت شده است که عبارت است از: ۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسانها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت برخویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.

۲- کرامت ارزشی که از به کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹).

از جمله مواد قانونی که قانون گذار به روشنی به ضرورت احترام با مراجعین به دستگاه قضایی و ضابطان دادگستری اشاره نموده است، ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است. برابر بند (۴) این قانون: «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد».

ریاست وقت قوه قضائیه در بخشنامه‌های مکرر خطاب به قضات و ضابطین دادگستری، معضل سوء رفتار با مراجعین را مورد توجه قرار داده است: «براین اساس در بخشنامه ۱۰۶۱۸ / ۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۱ خطاب به واحدهای قضایی سراسر کشور در این باره می‌گوید: «... قضات محترم در ضمن اجرای وظایف خطیر خود باید در نظر داشته باشند که برخورد مناسب و اقدام قانونی و سنجیده آنان می‌تواند مراجعان را تحت تأثیر مثبت قرار دهد و احترام آنان را به جایگاه رفیع قضا و کارکنان زحمت کش

مراجع قضایی برانگیزانندو در نهایت تنبه، اصلاح و تهذیب خطاکاران را موجب گردد. از این رو از قضات محترم انتظار دارم با لحاظ حقوق شخصی افراد و رسیدگی بی‌طرفانه به شکایات و دعاوی مطروحه، اعتماد و اطمینان عمومی را به دادرسی عادلانه و فارغ از عواطف و احساسات شخصی جلب و زمینه احترام و اعتلای امر قضا را بیش از پیش فراهم آورند.....» همچنین در بخشنامه مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۶ خطاب به ضابطین قوه قضائیه گفته است: «در مراحل مقدماتی دادگاه و نحوه رفتار ضابطین و نیروی انتظامی نیز مشکلات فراوانی وجود دارد. براساس اطلاعاتی که به ما می‌رسد در کلانتری‌ها و آگاهی‌ها برخوردهای بسیار بدی با افراد می‌شود. اینان چه حق دارند با مردم این گونه رفتار کنند؟ باید به هر طریق جلوی این کار را گرفت. اگر با بخشنامه می‌توان جلوگیری کرد، بخشنامه صادر کنیم. اگر نیاز به تصویب قانون دارد لایحه تنظیم کنیم و برای تصویب به مجلس بفرستیم». حتی از راهکارهای تشویقی نیز برای ایجاد انگیزه بیشتر در کارمندان و قضات برای تکریم مراجعین استفاده شده است (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۳۵).

همان‌گونه که بیان گردید از دیدگاه قانون احترام به منزلت و کرامت انسانی و در قوانین داخلی و فرایند دادرسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در بعد بین‌المللی نیز اسناد متعددی را می‌توان نام برد که بنیان آنها بر پایه حمایت از حیثیت و کرامت انسان است.

از جمله این اسناد می‌توان به :

- ۱- اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره، مواد ۲۰ و ۱۱ و ۴ و ۱؛
- ۲- منشور ملل متحد، بند ۳ ماده ۱؛
- ۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۶ و ۵ و ۴ و ۱؛

- ۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۹ و ۷ و ۱؛
- ۵- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ماده ۳؛
- ۶- اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر، بند ۱ دیباچه؛ اشاره نمود(هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۰۵ و ۲۰۴).

گفتار چهارم: منع شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی و تحقیر آمیز

یکی از مواقعی که امکان نقض حقوق شهروندی افراد جامعه وجود دارد در مرحله تحقیقات مقدماتی در هنگام بازجویی از متهمین است. این احتمال وجود دارد که برای مامورین تحقیق، اقرار از متهم موضوعیت پیدا کرده و برای رسیدن به این هدف نسبت به وی سوء رفتارهایی را روا دارند. شکنجه در لغت به معنای اذیت و آزار و رنج و عذاب آمده است؛ اما در اصطلاح عبارت از هرگونه آزار و اذیت جسمی و روانی شدید است که ماموران دولت و یا سایر مقامات عمومی در ضمن انجام وظیفه یا به مناسبت شغل خود و به قصد اخذ اقرار یا کسب اطلاعات و یا به هرانگیزه دیگر بر متهم یا محکوم علیه اعمال می‌نمایند(رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

در قوانین کشورمان شکنجه تعریف نشده است؛ در طرح اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی که از طرف شورای نگهبان رد شده تعریفی از شکنجه ارائه نگردیده و فقط مصادیقی از آن آورده شده بود و آن عبارت است از:

- ۱- هر گونه اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن ؛
- ۲- نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی ؛
- ۳- چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه ؛

- ۴- بازجویی در شب؛
- ۵- بی‌خوابی دادن به زندانی؛
- ۶- انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی به زندانی تلقی می‌شود؛
- ۷- استفاده از داروهای روان گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان مریض؛
- ۸- فحاشی، به کاربردن کلمات رکیک، توهین و یا تحقیر زندانی در حین بازجویی یا غیر آن؛
- ۹- نگهداری زندانیان بیمار، در محل‌های با سروصدای آزار دهنده؛
- ۱۰- محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات ضروری؛
- ۱۱- گرسنگی و یا تشنگی دادن به زندانی و عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از استفاده از امکانات مناسب بهداشتی؛
- ۱۲- عدم طبقه‌بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک؛
- ۱۳- جلوگیری از هواخوری روزانه زندانیان؛
- ۱۴- ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس زندانی با خانواده‌اش؛
- همچنین در این مصوبه اشاره شده بود: «کلیه اقرار و اعترافات که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد؛ در صورت عدم وجود ادله و قراین قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از عداد و دلایل خارج خواهد شد.» (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۶).
- در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز در چندین بند به منع این گونه رفتارهای نادرست و لزوم رعایت احترام تأکید شده است. بند شش قانون مذکور مقرر می‌دارد: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و

تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد». در بند هفتم همان قانون آمده است: «بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند و به جای آن از شیوه‌های علمی و فنی و تحقیق و بازجویی و تکنیک‌های مدرن استفاده شود». همچنین در بند نهم آمده است: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت».

در خصوص ضمانت اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی و بندهای اعلامی از ماده واحده مذکور، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرکسی از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را آزار و اذیت بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد».

امروز اهمیت منع شکنجه علاوه بر سطح داخلی در سطح بین‌المللی هم به رسمیت شناخته شده است. قاعده ممنوعیت شکنجه در نظام حقوق بین‌الملل قاعده‌ای است مطلق و در هر زمان و مکان و در هر شرایطی اطلاق دارد. مهمترین معاهدات بین‌المللی و عرف بین‌المللی در زمینه ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه غیرانسانی و یا تحقیر کننده عبارتند از:

- ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ (ماده ۵)؛
- ۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ (ماده ۳)؛
- ۳- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ (بند ۲ ماده ۵)؛
- ۴- منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۸۱ (ماده ۵)؛

- ۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ قاهره (ماده ۲۰):
- ۶- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد (ماده ۷):
- ۷- کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه غیرانسانی مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد (مواد ۴ و ۲): (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

گفتار پنجم: احترام به حق خلوت افراد

«حق خلوت» یا به عبارتی حق داشتن یک زندگی خصوصی، یکی از حقوق اساسی شهروندان است که ارتباط عمیق و تنگاتنگی با حفظ شأن، کرامت، شخصیت، امنیت روحی و روانی،... و دیگر ارزش‌های مهم بشری دارد. این حق که در اعلامیه‌های الزام‌آور حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، در حقوق اسلام نیز دارای جایگاه ارزشمندی است.

یکی از مباحث مربوط به حق خلوت این است که چرا «حق خلوت» مهم و شناسایی آن لازم است؟ شناسایی «حق خلوت» یک چارچوب حفاظت شده و امن را برای افراد به وجود می‌آورد که در آن می‌توانند از بازرسی، نظارت و داوری در مورد امور شخصی خود آزاد و فارغ باشند و زندگی خصوصی افراد نبایستی افشا شود و اسرار شخصی آنها محرمانه باقی بمانند (مصطفی زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۲ مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». علاوه بر اصل ۲۲ قانون اساسی، اصل ۲۵ قانون مذکور در خصوص حفظ اسرار شخصی افراد بیان می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن

مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

با توجه به اهمیت موضوع «حق خلوت» علاوه بر قانون اساسی، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در زمینه حفظ حریم خصوصی و اسرار شخصی متهم و شاکی، قانون‌گذار در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، در چندین بند به این مقوله پرداخته است. مطابق بند (۸) این قانون «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد».

یکی از منابع مهم «حق خلوت» را می‌توان اعلامیه‌های الزام‌آور حقوق بشر نام برد که در آنها لزوم حفظ و رعایت آزادی‌های فردی شامل حق زندگی، آزادی رفت و آمد، اختیار مسکن، مصونیت خانه و مسکن، امنیت شخصی، مصونیت مکاتبات و مکالمات، حفظ اسرار شخصی و غیره مورد تاکید قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸) در ماده ۳ خود اعلام می‌دارد: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت دارد» و ماده (۱۲) اعلامیه مزبور منبع اصلی احترام به حق خلوت و زندگی خصوصی را تشکیل می‌دهد. براساس این ماده «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد». همچنین میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) در بند ۱ ماده ۶ خود و مواد: ۱۷، ۹ و ۷ نیز به صراحت این حق را مورد توجه قرار داده و کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) در ماده ۱۶ خود «حق خلوت» اطفال را به رسمیت شناخته است (مصطفی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۳) اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (مصوب ۱۴۱۱ ه. ق) نیز در ماده ۱۸ خود بر اهمیت حمایت از حق خلوت افراد تاکید می‌نماید (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۶۹).

گفتار ششم: منح تصرف ناروا در اموال توقیف شده

در تفکر اسلامی حفظ حرمت اموال اشخاص بسیار مورد تاکید قرار گرفته تا جایی که حرمت مال مسلمان همچون حرمت خون وی دانسته شده است. این حرمت، هنگامی که بنا به ضرورت‌های امر تحقیق، اموال افراد توقیف می‌شود نیز باقی است زیرا در این زمان هنوز تکلیف آن اموال مشخص نشده و چه بسا نتیجه رسیدگی‌ها حکایت از لزوم استرداد اموال توقیف صاحب آن داشته باشد. براین اساس اموال توقیف شده از افراد باید به طور دقیق مورد حفاظت قرار گیرد و از دخل و تصرف در آنها و حیف و میل آنها اجتناب گردد. در این ارتباط ریاست قوه قضائیه در بخش‌نامه‌های متعددی حفاظت صحیح و دقیق از اموال توقیف شده را مورد تاکید قرار داده است:

۱- بخشنامه شماره ۱/۸۱/۷۶۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۴/۳۰: «... در مواردی که به حکم قوانین و مقررات و حکومتی، اموالی توقیف می‌گردد تدابیر و ترتیباتی اتخاذ گردد تا در اثر اقدامات اداری و طول جریان رسیدگی، اسباب حیف و میل، استهلاک وسایل و امکانات ... و نیز نقصان عواید و تنزل بها در موقع فروش به غیر یا تملیک به دولت و بیت المال یا استرداد به مالک اصلی فراهم نگردد ...».

۲- بخشنامه شماره ۵۰۱۵ / ۱/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۴/۴: «... اشیا و اموالی که در جریان کشف و تعقیب جرایم یا به علل قانونی دیگر ممکن است برای مدتی توقیف گردند، تا تعیین تکلیف آنها در مراجع انتظامی و قضایی، از دخل و تصرف ناروا و استفاده‌های غیرمجاز شخصی و اداری مصون و محفوظ باشند و در رسیدگی به پرونده‌های مربوط و تصمیم‌گیری در خصوص آنها تسریع لازم به عمل آید...» (حوزه ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۳۷).

این خط سیر فکری نهایتاً در قالب بند ۱۴ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شکل قانونی به خود گرفت. بند چهاردهم قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان اجتناب نمود و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیا تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم نهایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید». این بند به نوعی تکمیل‌کننده بند هشتم قانون مذکور می‌باشد.

با توجه به قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه موارد زیر قابل توجه است:

۱- دادگاه، قاضی تحقیق (بازپرس و دادیار) و یا دادستان پس از صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال ضبط شده را مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم کردن آنها تعیین کنند.

۲- تکلیف اشیایی که تا رسیدگی دادگاه مسترد نگردیده‌اند نیز باید ضمن صدور حکم یا فرار و یا پس از آن و به موجب حکم خاص از سوی دادگاه روشن شود تا نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن آنها تصمیم‌گیری شود.

۳- اشیایی که حفظ آنها برای دادرسی ضروری نباشد، و لیکن نگهداری آنها مستلزم هزینه نامناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا فاحش قیمت آن شود و نیز اشیای ضایع شدنی و سریع الفساد به دستور دادستان، قاضی تحقیق یا دادگاه باید به قیمت روز به فروش برسد وجه حاصل از آن تا تعیین تکلیف نهایی پرونده به صندوق دادگستری به عنوان امانت ایداع گردد (آشوری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۸).

در نظام بین‌المللی هم تصرف خودسرانه نسبت به اموال افراد را ممنوع اعلام می‌دارد و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۵ خود تصریح می‌کند. «مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر طبق مجوز شرعی». نیز براساس ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد» همگی قائل به تصرف ناروا در اموال شهروندان می‌باشد.

ب) مرحله رسیدگی

قانون گذار جهت انجام دادرسی عادلانه و منصفانه تشریفات و اصولی را در نظر گرفته که نادیده گرفتن این اصول لطمه اساسی به حقوق اصحاب دعوی و جامعه وارد می‌آورد. هشت بند قانون احترام به آزادی‌های مشروع مربوط به مرحله رسیدگی و دادرسی است که البته برخی از موارد آن با مرحله تحقیقات مقدماتی مشترک است. بندهای یک، سه، چهار، پنج، یازده، دوازده و سیزده از آن جمله‌اند. بند دوم قانون احترام به آزادی‌های مشروع مربوط به مرحله رسیدگی است. در این بند از قانون آمده

است: «محکومیت باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». مواردی که در این بند مورد توجه قرار گرفته عبارتند از: اصل قانونی بودن جرایم و محکومیت‌ها، اصل برائت، اصل برابری و تساوی، رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و ... بوده که در مراحل بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها

اصل قانونی بودن همان قدر که در تعیین نوع جرم کاربرد دارد، در تعیین نوع و میزان مجازات نیز معتبر است. هر کس علاوه بر اینکه باید بداند چه افعالی جرم است، باید از عواقب این افعال نیز آگاه باشد. این اصل در آن واحد هم برای قانون‌گذار که به تعیین مجازاتها می‌پردازد و هم برای دادرسی که فقط به موجب قانون می‌تواند حکم مجازات صادر کند و هم برای مجریان که مجازات مورد حکم را اجرا می‌کنند، تکالیفی ایجاد می‌کند (اردبیلی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۳).

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها ابتدا به موجب اصل سی و ششم قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» سپس طبق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود» و در نهایت بند یک ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید

مبتنی بر رعایت قوانین و ...» به رسمیت شناخته شده است و برطبق این موازین احدی را نمی‌توان تحت تعقیب قرار داد مگر اینکه قانون‌گذار عمل او را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد.

با کمی دقت و تأمل در قانون مجازات اسلامی، متأسفانه قانون‌گذار ما در مواردی بدون در نظر گرفتن موازین قانونی و شرعی اختیار اعمال و اجرای مجازات را به افراد واگذار کرده است که برای نمونه پاره‌ای از این مواد، در ذیل آورده می‌شود:

۱- تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و سپس معلوم شود که مجنی علیه مورد قصاص و مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات رساند، قصاص و دیه از او ساقط است».

۲- ماده ۲۲۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «قتل نقس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد، قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه ثابت کند».

۳- به موجب ماده ۶۳۰ قانون مذکور: «هرگاه مردی زن خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می‌توان به قتل برساند، حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

اصل قانونی بودن یک مفهوم اخلاقی و حقوقی است. امروزه باید این اصل را در زمره اصول کلی مسلم حق دانست که مشترک میان همه نظام‌های حقوقی و مورد پذیرش همه ملت‌هاست و در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است. در اعلامیه

جهانی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۱۱) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۲ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۶) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۸) به این مضمون آمده است که: «شخص باید مطابق با قانون مجرم شناخته شود». ولی منشور آفریقایی حقوق بشر، طی ماده ۶ که از حق برآزادی و امنیت شخصی هر فرد حمایت می‌کند، چنین آورده است: «هیچ کس را نمی‌توان بر آزادی اش محروم کرد مگر به دلایل و شرایطی که از پیش به موجب قانون مقرر شده است». این اصل به نحو مندرج در اسناد یاد شده حاوی حقی است در جهت حمایت از شخص در برابر محاکمه یا محکومیت و همه اشکال مجازاتهای کیفری که به موجب قانون و مطابق آئینی قانونی، از پیش تجویز شده باشد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

گفتار دوم: اصل برائت

اصل برائت یا فرض بی‌گناهی به این معنی است که: «همه انسانها تا مادامی که مجرمیت آنان در جریان رسیدگی عادلانه و منصفانه در دادگاهی که مطابق با قانون تشکیل گردیده، به طور قطع و یقین اثبات و احراز نگردیده بی‌گناه محسوب می‌شوند و نتیجتاً از هرگونه تعرض مصون هستند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۴۹).

این اصل از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام-های نوین دادرسی است. قانون‌گذار ایران هم علاوه بر قوانین عادی و اساسی در بند دوم قانون حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. در این بند از قانون آمده است: «...اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». می‌توان از اصل برائت به عنوان «ام‌الاصول» در دادرسی کیفری تعبیر کرد زیرا موجب پیشگیری از خودسری قضات و ضابطان دادگستری در بازداشت و

سلب حقوق شهروندان شده، آزادی آنان را تامین می‌کند. در پرونده‌های کیفری اگر کسی مدعی وقوع جرمی است، باید دلیل بیاورد و اصل برائت یعنی اینکه اگر کسی ادعای وقوع جرمی را می‌کند باید آن را ثابت کند، صدور کیفرخواست از سوی دادستان هم به معنی مجرمیت متهم نیست؛ زیرا قاضی دادگاه تابع نظر دادسرا نیست و قاضی دادگاه خود دلایل را بررسی می‌کند و چنانچه دلایل کافی بود و قناعت وجدان بر وی حاصل شده رأی بر محکومیت صادر می‌کند، در غیر این صورت طبق اصل برائت، رای بر برائت متهم صادر می‌کند زیرا قاضی نباید به ادله‌ای که در کیفرخواست آمده اکتفا کند، بلکه باید تابع اصل برائت باشد (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

امروزه اصل برائت در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز به صراحت مقرر گردیده است که از میان این اسناد می‌توان به :

- ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۸ (بند اول ماده ۱۱)؛
- ۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ (بند دوم ماده ۱۴)؛
- ۳- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ (ماده ۶۶)؛
- ۴- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ (بند دوم ماده ۶)؛
- ۵- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ (بند دوم ماده ۸)؛
- ۶- اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ (بند پنجم ماده ۱۹)؛ اشاره نمود.

گفتار سوم: مستدل، مستند و موجه بودن رأی

یکی دیگر از الزامات مهم در رسیدگی موجه، مستدل و مستند بودن احکام، قرارها و تصمیمات کیفری به مواد قانونی و اصولی که قانون‌گذار تعیین کرده است. اصل ۱۶۶ قانون اساسی به این مسأله اشاره داشته و مقرر می‌دارد که احکام دادگاهها باید

مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است و طبق اصل ۱۶۷، منابع صدور حکم در مرحله اول قوانین مدون است و چنانچه حکم در قوانین مدون یافت نشود، منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مرجع صدور حکم خواهند بود.

محتوای دو اصل مذکور در قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاهها عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ قرار گرفته است. در ماده ۹ و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۱۴ مورد اشاره همچنین قانونگذار در بند دوم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز مورد اشاره قرار گرفته براساس این قانون: «... رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر ... برخوردار باشد» نیز تاکید شده است.

نکته دیگری که در آخر لازم است در این خصوص گفته شود این است که: مستدل، مستند و موجه بودن رأی اختصاص به مرحله رسیدگی دادگاه نمی‌شود. برای اینکه در ماده (۹) مذکور، علاوه بر احکام، باید قرارها هم مستدل و مستند باشند یعنی قرارهای نهایی و اظهار نظرهای صادره از دادسرا را هم شامل می‌شود و در این ارتباط اداره کل حقوقی طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۸ - ۱۳۸۲/۱۲/۵ اعلام نموده است: «هرچند در ماده ۹ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مستند نمودن قرارهای صادره از سوی قضات دادسرا تصریح نشده است، لیکن با توجه به ملاک اصل یکصد و شصت و شش قانون اساسی سایر قضات و من جمله دادیار و بازپرسان نیز در هنگام صدور قرار نهایی و اظهار نظرهای قضایی خویش مستدلاً و مستنداً به مواد قانونی اتخاذ تصمیم نمایند».

حسب قسمت اخیر ماده (۹) مذکور: «تخلف از این امر و انشای رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود» و براساس ماده واحده ۱۳۰۶/۱۲/۹ «قضاتی که احکام خود را کاملاً مدلل ننمایند به مجازات درجه دو الی شش ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهند شد» که در ذیل به چند نمونه از آرای صادره از دادگاه عالی انتظامی قضات اشاره می‌نماییم:

(دادنامه شماره ۱۰۲-۱۳۷۳/۶/۲۰):

دادرس دادگاه کیفری ۲ که برخلاف ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱ و ماده واحده مصوب ۱۳۰۶ رأی خود را مستدل ننموده و با وجود شهادت شهود بر جرح با چاقو و گواهی پزشکی قانونی قضیه را خودزنی قلمداد و رأی بر براءة متهمان صادر نموده تخلف کرده است (کریم زاده، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

(دادنامه شماره ۸۲۴۵-۱۳۳۳/۶/۲۵):

دادسرای انتظامی قضات به موجب کیفرخواست ارسالی آقای «ن - س» رئیس دادگاه استان... را از جهت مستدل نبودن حکم تخلف دانسته و تقاضای مجازات کرده است. خلاصه جریان این است ... و چون برخلاف دستور اصل ۷۸ قانون اساسی حکم خود را مدلل و موجه ننموده، لذا متخلف است (حیدرزاده، ۱۳۷۳: ۲۶۱).

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، هرچند مستدل و مستند و موجه بودن رأی به طور واضح مورد اشاره قرار نگرفته است، اما حق برخورداری از رأی معقول در قالب مقررات مربوط به حق محاکمه منصفانه ارزیابی می‌شود. براین اساس طبق بند ۵ ماده ۷۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «رأی صادره باید کتبی و متضمن بیانی کامل و مستدل از استنباط قضات راجع به ادله و نتایج آن‌ها باشد». و یا کمیته حقوق بشر با موارد زیادی در زمینه عدم صدور رأی معقول مواجه بوده است. رسیدگی به این

شکایات تحت بندهای ۳ و ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صورت گرفته است.

مطابق یکی از پرونده‌های حقوقی بررسی شده تحت بند ۵ ماده ۱۴ میثاق: «فرد محکوم حق دارد در زمان معقول به رأی کتبی دادگاه که باید معقول باشد، دسترسی داشته تا بتواند از حق خود برای پژوهش خواهی در دادگاه عالی‌تر استفاده کند» (نوری نشاط، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۰۸).

ج) مرحله اجرای احکام

رعایت و حفظ حقوق محکوم نقش بسزایی در نیل به عدالت کیفری، رسیدن به اهداف مجازات‌ها به ویژه اصلاح و بازاجتماعی کردن محکوم و حفظ حقوق بشر دارد. به همین منظور باید حقوق و امتیازاتی را که محکوم از آن برخوردار است، شناسایی و معرفی شوند و راهکارهایی اندیشیده شود که حقوق محکوم بهتر مراعات گردد. با توجه به اهمیت حفظ و رعایت حقوق محکوم، در اغلب اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر رعایت حقوق محکوم به ویژه حفظ کرامت انسانی و حفظ حیات محکوم تاکید شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون حفظ حقوق شهروندی بر اصل قانونی بودن نحوه اجرای احکام و حفظ حرمت و حیثیت محکوم تاکید کرده است. احکام کیفری هنگامی به اجرا در می‌آید که قطعی باشد و برای رعایت و حفظ حقوق اصحاب دعوی در این مرحله توجه به مسایل زیر ضروری است:

- انتصاب قضات مجرب و با سابقه در واحد اجرای احکام؛

- دقت در تشخیص قطعیت حکم و ابلاغ آن؛

- عدم تاخیر در اجرای حکم در موارد قانونی؛

- توجه به آثار گذشت شاکی خصوصی بعد از قطعیت حکم؛
- احتساب ایام بازداشت قبلی در مجازات حبس و جزای نقدی و ... از مهمترین مواردی است که در مرحله اجرای حکم و مجازات بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

گفتار اول: اصول و خصایص عمومی مجازاتها

حقوق جزا از اصولی پیروی می‌کند که هر کدام از این اصول هدف ایجاد نظم اجتماعی و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی را تعقیب می‌نماید، از مهمترین این اصول: «اصل قانونی بودن مجازاتها، اصل تساوی مجازاتها و اصل شخصی بودن مجازاتها» بوده که در حقوق بین‌الملل و نیز شرع مقدس و تعالیم اسلام به رسمیت شناخته شده است.

الف - اصل قانونی بودن مجازاتها

بدین مفهوم که هر نوع مجازاتی باید قبلاً و از طریق قانون گذار وضع و برقرار شده باشد (مسعودی فر، ۱۳۸۶: ۷). در واقع این اصل به معنای وسیع آن اقتضا می‌کند کسی که مرتکب عملی شده و در حین ارتکاب، قانون آن را جرم شناخته به مجازات محکوم نشود و در نتیجه قانونی که بعد از ارتکاب عمل تصویب می‌شود و آن را جرم می‌شناسد و برایش مجازات تعیین می‌کند نمی‌تواند به عمل ارتكابی پیشین تسری پیدا کند و مبنای تعیین مجازات برای آن واقع شود. از جمله مهمترین قواعدی که اصل قانونی بودن مجازات‌های اسلامی را توجیه می‌نماید، یکی قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و دیگری «اصاله الاباحه» است (ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۳۹) که اقتضا می‌کند که در امور

کیفری، حتی خود قانون گذار هم نتواند قانونی را که وضع می کند، تاریخ اجرای آن را به عقب برگرداند و براعمال قبل از تصویب قانون سرایت دهد. این اصل مترقی که پذیرش و عمل به آن حافظ حقوق محکوم علیه در قبال دستگاه حاکم و تامین کننده آسایش فکری و اجتماعی و اقتصادی است، آثاری در پی دارد که عبارتند از:

۱- عطف به ما سبق نشدن مقررات جزایی،

۲- تفسیر مضیق قوانین و مقررات جزایی، (مدنی، ۱۳۷۴، اجرا احکام جزایی: ۳۶). این اصل برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۷۸۹ پذیرفته شد و مطابق ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هیچ کس نباید مجازات شود مگر به موجب قانون که قبل از ارتکاب جرم، تصویب و منتشر شده است».

ب- اصل تساوی مجازات‌ها

اصل تساوی در مقابل جرم بدین معنی است: تمام کسانی که مرتکب جرم مستلزم کیفر می شوند، در مقابل قوانین جزایی یکسان هستند و این مجازات را بدون در نظر گرفتن شخصیت افراد از حیث طبقات اجتماعی یا جنس یا نژاد یا موقعیت اجتماعی یا مقام علمی یا شغل و ثروت، درباره افراد تعیین کند و این تمایزات، وسیله‌ای برای استفاده از مصونیت یا معافیت و یا تخفیف در میزان کیفر نباشد.

این اصل در اصول ۱۹، ۲۰، و بند ۴ اصل سوم قانون اساسی و بند ۹ همان اصل، مردم ایران را از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ شخصی بر دیگری برتری ندارد، به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر قانون اساسی، سازمان‌های بین‌المللی نیز با تصویب اسناد متعددی توجه به مقوله برابری و مساوات

اشاره داشته، که از جمله این اسناد می‌توان به اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (ماده ۱ و بند الف ماده ۱۹)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۱ و ۲ و ۷) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴ و ماده ۲۶) اشاره نمود. به عنوان نمونه ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند».

ج - اصل شخصی بودن مجازات‌ها

بدین مفهوم که تنها کسی که مرتکب جرم شده است مسئول و پاسخگوی آثار و نتایج عمل مجرمانه خود باشد و مجازات نیز بروی تحمیل گردد. عدل و انصاف ایجاب می‌کند که مجازات منحصرأ متوجه شخص محکوم علیه شده و به نزدیکان او سرایت نکند و به طور کلی مسئولیت کیفری، قائم به شخص است. مجازات‌ها فقط نسبت به مرتکبان جرایم قابل اعمال هستند و هیچ فرد دیگری را نمی‌توان به جای مرتکب مجازات کرد. قرآن کریم در آیه ۱۶۴ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» یعنی هیچ کس به جای دیگری مجازات نخواهد شد. و غیر از این آیه شریفه، منابع و ادله مشروعیت دیگری در پذیرش این اصل در نظام کیفری اسلام وجود دارد (ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۴۰).

پذیرش اصل شخصی بودن مجازات‌ها علاوه بر قانون اساسی و سایر قوانین در بند (۲) قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است براساس این قانون: «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و

منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد». این قسمت از قانون مذکور ملهم از اصل قانونی بودن مجازاتها و در عین حال مصادیقی از «اصل شخصی بودن مجازاتها» را مورد تقنین قرار داده است.

شخصی بودن مسئولیت، در بعد بین المللی، اسناد متعددی را می توان نام برد که به ضرورت توجه به اصل شخصی بودن مجازاتها در فرایند کیفری توجه دارد از جمله این اسناد می توان به اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (بندج ماده نوزدهم)، ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره نمود.

با وجود شخصی بودن مجازاتها، در زمینه مقررات قانونی مستثنیاتی وجود دارد که به اصل شخصی بودن مجازات لطمه وارد می آورد: مانند مواد ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۳ و ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی که در موارد خاصی پرداخت دیه با جانی نیست بلکه با عاقله است. یعنی کسی که حتی از وقوع جنایت نیز ممکن است بی خبر باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۷۰ - ۲۶۶).

گفتار دوم: رعایت حقوق شهروندی زندانیان

از مهمترین مواردی که در مرحله اجرای احکام و مجازات به آن توجه می شود بحث زندان و توجه به حقوق زندانیان در طول دوره گذراندن محکومیت است. در دین مبین اسلام هر انسانی گرچه جرم کرده و زندانی باشد، شأن و کرامت انسانی او محفوظ است و دید اسلام نسبت به زندانی، دیدی است که بیشتر جنبه مددکاری و سرپرستی و رفع نقص و بیماری دارد و همچنین به زندانی نباید به عنوان یک مجرم

شروع و با دید انتقام نگاه کرد، بلکه باید با رحمت و شفقت به او نگرست (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

در کشورمان نیز این مسأله در رعایت حقوق شهروندی زندانیان مورد توجه قانونگذار بوده است. در آذرماه ۱۳۸۵ «دستورالعمل نحوه تأسیس واحدهای حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» به تصویب رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور رسید. ماده (۱) این دستورالعمل، هدف از تأسیس این واحدها را «توسعه و تکریم حقوق شهروندی زندانیان و رعایت موازین حقوق اسلامی، انسانی، قانونی و فراهم کردن بستر مناسب برای بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی و تسهیل در امر زندان زدایی» معرفی کرده است. حمایت از حقوق زندانیان و افراد بازداشت شده در اسناد بین‌الملل هم مورد توجه قرار گرفته است براساس این اسناد:

- ۱- شناسایی رسمی تمام بازداشتگاهها و نگهداری زندانیان در آن محل،
- ۲- ثبت و ضبط رسمی نام تمام افراد بازداشت شده و همچنین اشخاص مسئول بازداشت آنها،
- ۳- رعایت کرامت انسانی فرد بازداشت شده و احترام به آن،
- ۴- نگهداری محل مجزای افراد متهم با افراد محکوم شده،
- ۵- اجرای سیاست اصلاح و بازپروری درباره محکومان،
- ۶- رعایت کرامت انسانی زندانیان در ارتباط با خوابگاه، شرایط بهداشتی و تغذیه،
- ۷- احترام به باورهای مذهبی و دیدگاههای فرهنگی زندانیان،
- ۸- عدم استفاده از سلولهای انفرادی و غیرقانونی،
- ۹- تماس زندانی با دنیای بیرون (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۰).

گفتار سوم: منع شکنجه محکومان

شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی در همه زمان‌ها، از جمله در زمان اجرای حکم کیفری، ممنوع است و به هیچ وجه قابل توجیه نیست. این‌ها اقداماتی هستند که باید از آنها جلوگیری به عمل آید و اگر کسی مرتکب آنها شد، باید آنها را مورد تعقیب قرار داد و محاکمه کرد.

اصل ۳۸ قانون اساسی هرگونه شکنجه به منظور اخذ اقرار یا کسب اطلاع و یا اجبار افراد به دادن شهادت، اقرار یا سوگند را ممنوع و چنین شهادت، اقرار و ... فاقد هر گونه ارزش و اعتبار دانسته و متخلف را مستوجب مجازات می‌داند. همچنین به استناد اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد و به طریق اولی، افرادی که به حکم قانون دستگیر نشده‌اند، ممنوع و موجب مجازات است.

در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ضمن جرم دانستن شکنجه، مجازات آن را نیز مشخص نموده است. در ماده واحده قانونی احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز در چندین بند، به لزوم رعایت احترام به متهم و محکوم علیه توجه شده است. در بند شش قانون مذکور آمده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایدای افراد... اجتناب گردد». همچنین در بند هفت قانون مذکور آمده است: «بازجویان و مامورین تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم خودداری ورزند و ...» همچنین در بند نهم نیز اشاره شده است: «هرگونه شکنجه متهم ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت».

در واقع بندهای شش، هفت و نه قانون مزبور، به مصادیقی از شکنجه پرداخته و به عبارت دیگر به اصل منع شکنجه اشاره کرده است (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۴۶) و در واقع، شکنجه محکوم علیه در هر نوع و به هر میزان، غیرقانونی و قابل مجازات خواهد بود.

امروزه اهمیت منع شکنجه محکوم علیه چه در سطح داخلی، و چه در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. اهمیت وجود انسانی و لزوم توجه به حیثیت و تمامی جسمی و روانی او و جلوگیری از انهدام و تخریب، مسأله تازه‌ای نیست. علمای حقوق، اخلاق، ادیان و جامعه‌شناسان به این امر توجه داشته‌اند که نباید موجودات بشری را چون اشیا تصور کرد و با آنها همچون اشیای بی‌جان رفتار نمود. حق حیات و ممنوعیت شکنجه و رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه و غیرانسانی با زندانیان ماهیت قاعده‌آمره را به خود اختصاص داده است و به همین جهت کنوانسیونهای متعددی خصوصاً کنوانسیون منع شکنجه و کمیته منع شکنجه مکرراً به کشورها توصیه کرده است که لغو قوانینی را که ممکن است استقلال دستگاه قضایی را تضعیف نمایند، باید مورد بررسی و دقت قرار دهند و همچنین این کمیته بر ارایه یک سیستم مؤثر و قابل اطمینان داخلی تاکید کرده است که به قربانیان شکنجه و رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه و غیرانسانی اجازه می‌دهد تا درخواست غرامت نمایند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۹۸).

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی از جنبه‌های مختلفی مورد تعریف واقع و مؤلفه تعاریف حقوق شهروندی به شکل متفاوت و گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. لیکن در تعریف حقوق شهروندی سه مؤلفه و عنصر نقش محوری دارد که عبارتند از: سرزمین، کشور،

تابعیت. براساس مؤلفه‌های مذکور در تعریف حقوق شهروندی می‌توان گفت که حقوقی است که به کلیه افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زندگی می‌نمایند و نیز به افرادی که به عنوان تبعه در خارج از مرزهای یک کشور زیست می‌کنند، اختصاص یافته است. حقوق مربوط به شهروند صرفاً وصف امتیازی ندارد بلکه وصف تکلیفی نیز دارد. نقض پاره‌ای از حقوق شهروندی با ضمانت اجرای دنیوی در قالب مجازات و ثبوت مسئولیت مدنی و نقض پاره‌ای از آن با ضمانت اجرای اخلاقی و دنیوی مواجه گردیده است. حقوق شهروندی از بدو تشکیل اجتماع انسانی و تشکیل دولتها مورد توجه قرار گرفته است. براین اساس می‌توان گفت که پیشینه آن در میراث علمی و تاریخی قدما، قابل جستجو است.

حقوق شهروندی ارتباط تنگاتنگی با حقوق بشر دارد و حقوق شهروندی در بطن حقوق بشر، به رشد و بالندگی دست یافته است. لیکن برای تفکیک حقوق شهروندی از حقوق بشر می‌توان دو محور را مورد توجه قرار داد: محور اول مخاطب این دو حقوق است. محور دوم موضوع این دو حقوق است. در محور اول گفته می‌شود که حقوق بشر، هرانسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب قرار می‌دهد و توصیه و فرمان می‌دهد، در حالیکه حقوق شهروندی، اجتماع با افراد خاصی را در محدوده یک دولت - کشور مورد خطاب قرار می‌دهد.

حقوق شهروندی با کرامت انسانی ارتباط عمیقی دارد. گزاره‌های حقوق شهروندی در راستای حفظ آن می‌باشد. کرامت انسان هم یک امر ذاتی و غیرقابل انفکاک و انتزاع است و انسانیت انسان قائم به آن است، به عبارت دیگر انسان به مقتضای طبیعت و ماهیتی که دارد، دارای کرامت است که این کرامت، برخلاف آنچه که برخی از فلاسفه و اندیشمندان معتقدند، چیزی نیست که با ارتکاب جرم و جنایت بر خود یا دیگران

زایل شود. در واقع آنچه قابل سرزنش است رفتار و فعلی است که از انسان سر می‌زند و نه ذات او فعل انسان از ذات او جد است. با توجه به آنچه که در این تحقیق مورد کنکاش قرار گرفت موارد زیر به عنوان یافته‌های تحقیق اعلام می‌گردد:

۱- «حقوق شهروندی» در ادبیات حقوقی و قانون اساسی ایران تبیین نگردیده، بنابراین لازم است ابتدا به تعریف آن توجه نموده و یا قانونگذار در متون قانونی، تعریف مشخصی از آن ارائه نماید. از طرفی چون حقوق شهروندی دارای ابعاد مختلفی است که در قانون ۱۳۸۳ صرفاً یکی از موارد آن مورد توجه قرار گرفته است و لازم است در روند تکاملی قانون مزبور، ابعاد دیگر آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲- بودجه مشخصی به عنوان «یارانه حمایت و ترویج حقوق شهروندی» در قوانین بودجه در نظر گرفته شود تا در اموری مانند: فعالیتهای فرهنگی، انتشار کتاب و نشریه، حق عضویت، مشاوره رایگان و ... مورد استفاده قرار گیرد.

۳- قوانین کیفی باید در راستای حفظ کرامت انسانی و در جهت تضمین نظام عدالت کیفی عادلانه و منصفانه، ضمن به رسمیت شناختن آثار اصل کرامت ذاتی انسان، هم در قلمرو حقوق کیفی ماهوی و هم شکلی، لازم است بازنگری گردد و قوانین نافی کرامت انسانی اعم از قانون اساسی و سایر قوانین مانند ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی از جهت مقید بودن شکنجه به آزار و اذیت بدنی اصلاح به عمل آید.

۴- جلوگیری از استفاده خودسرانه از فناوری‌های نوین به منظور ورود به خلوت افراد به بهانه مبارزه با جرم از قبیل: شنود تلفن و نصب گیرنده‌های مخفی در محل کار، خانه و خودروی افراد، ورود به فضای رایانه‌ای کاربران، کنترل معاشرت‌ها و بازرسی منظم و یا اتفاقی مکاتبات افراد برای استفاده از محتویات آنها علیه آنان و ...

برای متهم و مجرم جلوه دادن آنها و سایر رفتارهایی را که نقض حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را به دنبال دارد، ضروری است.

۵- برای تقویت اعتماد کردن به هیئت نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، لازم است افرادی خارج از قوه قضائیه به عضویت آن درآیند. مانند استفاده از اساتید بی طرف حوزه و دانشگاه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ...

۶- آخرین پیشنهاد در مورد نحوه آموزش حقوق شهروندی به مردم می‌باشد که بهتر است با تدوین کتابچه‌ها و یا از طریق رسانه‌های ملی و صدا و سیما، حقوق مردم آموزش داده شود تا آنها ضمن اطلاع و آگاهی از حقوق خویش و از شیوه مطالبه آن از توقع‌ها و انتظارات بیش از حد قانونی به نام حقوق شهروندی جلوگیری شود.

- فضایی، مصطفی (۱۳۸۷): *د/درسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- کریم زاده، احمد (۱۳۷۶): *نظارت انتظامی در نظام قضایی*، تهران، انتشارات آیدا.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۸): *کلیات آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات جنگل.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۴): *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات پایدار.
- مدنی، عارفه (۱۳۷۴): *اجرای احکام جزایی*، تهران، انتشارات مجد.
- مصطفی زاده، فهیمه (۱۳۸۵): *مقاله حق خلوت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی*، تهران، مجموعه مقالات، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- مسعودی فر، رضا (۱۳۸۶): *حدود و نحوه اجرای آن در محاکم قضایی ایران*، تهران، انتشارات نسل نوین.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۸): *حقوق بشر، قم، نشر قضا*.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۴): *نگاهی به حقوق شهروند و آزادی‌های مشروع، قم نشر قضا*.
- نوری نشاط، سعید (۱۳۸۶): *حقوق بشر در دستگاه قضایی، ج اول*، تهران، سازمان دفاع از قربانیان خشونت.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴): *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، انتشارات میزان.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۲): *حقوق جزای عمومی، ج دوم*، تهران، انتشارات دفتر نشر داد.